

حضرت عبدالبهاء می فرمایند:

" کمال شکر به انفاق است و مقام انفاق اعظم مقامات."

مائده آسمانی ج ۵ ص ۲۲۷

عنوان: الکرّم و الجود من خصالی فهنیئاً لمن تزین بخصالی

قسمت روحانی

۱- مناجات شروع

۲- مجموعه نصوص مبارکه حضرت بهاء الله

۳- مجموعه نصوص مبارکه حضرت عبدالبهاء

قسمت اداری

۴- بخشی از پیام ۲۹ دسامبر ۲۰۱۵ بیت العدل اعظم الهی

الف: تمدن مورد نظر حضرت بهاءالله تمدنی است شکوفا که در آن منابع وسیع عالم در جهت عزّت و احیای نوع بشر و نه برای ذلّت و نابودی او صرف خواهد شد

ب: : تقدیم تبرّعات راهی است عملی و از ضروریّات تسریع ظهور آن تمدن ربّانی.

ج: . فرایند جامعه‌سازی که دوستان در محدوده‌های جغرافیایی خود به پیش می‌برند نگرش و رفتاری را در مورد ثروت و دارایی ترویج می‌کند که با افکار متداول در عالم کاملاً متفاوت است.

د: عادت تقدیم تبرّعات مرتّب به صندوق‌های امری که شامل تبرّع غیر نقد، به خصوص در بعضی نقاط جهان می‌باشد ناشی از حسّ توجه فردی به رفاه جامعه و پیشرفت امر الله است.

ه: . وظیفه تقدیم تبرّعات درست مانند وظیفه تبلیغ امر الهی یکی از جنبه‌های اساسی هویت بهائی و موجب تقویت ایمان است

و: تبرّع داوطلبانه نهایتاً این آگاهی را به وجود می‌آورد که اداره امور مالی شخصی بر طبق اصول روحانی بُعدی است ضروری از یک زندگی منسجم، موضوعی است وجدانی و طریقی است که در آن تعهد نسبت به رفاه عالم در عمل متجلی می‌گردد

با توجه به آنچه مطالعه نمودیم، به چه یادگیریهای جدیدی در خصوص تقدیم تبرعات دست یافتیم؟

این یادگیریها چگونه میتواند دیدگاه ما را در خصوص امر تبرعات تعدیل نماید؟

۶- برنامه نوجوانان و نونهالان عزیز

قسمت اجتماعی

۷- الفت و پذیرایی

۸- مناجات خاتمه

با تقدیم تحیات و با امید به تداوم خدمات

در این برنامه پیشنهادی سعی بر آن بوده است که با تأمل بیشتر بر بخش کوتاهی از پیام بیت العدل اعظم الهی (مورخ ۲۹ دسامبر ۲۰۱۵) که در خصوص تبرعات می باشد، نگاه عمیق تری نسبت به این خصیصه جامعه بهائی حاصل نمائیم لذا سعی گردید بخش مربوطه به ۶ عنوان مجزا تقسیم شده و با استمداد از منابع موجود، هر قسمت مورد بررسی و تعمق بیشتر قرار گیرد.

ابتدا لازم است بخش مربوطه از پیام مذکور مطالعه شود و سپس سرفصلهای تعیین شده به انضمام مطالب ضمیمه مطالعه گردیده و در صورت امکان مورد بحث و تبادل نظر قرار گیرد

متمنی است ضمن اجرای برنامه این تأکید صورت پذیرد که تقدیم تبرعات فضلی است که شامل هر یک از ما میگردد و هرگز موظف به اجبار دیگران در خصوص اجرای آن نیستیم

حضرت ولی محبوب امرالله می فرمایند:

"لازم می دانم این اصل عمده را که باید دائما مدّ نظر قرار گیرد خاطرنشان نمایم که تقدیم ... تبرعات باید صرفا و مؤکدا داوطلبانه صورت گیرد."

ای یزدان پاک این یاران به محبتت گریبان چاک کردند و از پرتوهدایت رخ روشن و تابناک نمودند از عالم خاک گذشتند و دل به جهان افلاک بستند خاکسار درگاه تواند و عاکفان بارگاه تو. جز تونخواهند و بغیر از تو نجویند و جز راز تو نگویند. ظهیر شو مجیر شو و آزادی به هر اسیر بخش و از سلاسل و زنجیر نفس و هوی نجات ده و بر بندگی و شرمندگی و آزادگی و سادگی موقت نما و از کودکی و آلودگی و خستگی و ماندگی رهائی ده توئی مقتدر و توانا و توئی بخشنده و درخشنده در جهان غیب و عیان

ع ع

منتخبات مکاتیب ج ۳ ص ۱۸۱

هُوَ اللَّهُ

ای خداوند مهربان این دل را از هر تعلقی فارغ نما و این جان را به هر بشارتی شادمانی بخش از قید آشنا و بیگانه آزاد کن و به محبت خویش گرفتار نما تا بکلی شیدای تو گردم و دیوانه تو جز تو نخواهم و جز تو نجویم و بغیر از تو نیویم و بجز راز تو نگویم مانند مرغ سحر دردام محبت تو گرفتار گردم و شب و روز بنالم و بزارم و بگریم و بگویم یا بهاء الابهی .

ع ع

مجموعه مناجاتهای حضرت عبدالبهاء ص ۳۹

حضرت بهاء الله می فرمایند:

"طوبی از برای آن نفوسی که در این ایام به انفاق فائز شدند و از برای ان مالی که به این فضل فائز گشت."

آیات بینات ص ۲۶۴

و در لوح اصل کل الخیر می فرمایند:

"رَأْسُ الْهَمَّةِ هِيَ انْفَاقُ الْمَرْءِ عَلَى نَفْسِهِ وَ عَلَى أَهْلِهِ وَ الْفُقَرَاءِ مِنْ إِخْوَتِهِ فِي دِينِهِ"

و در بیانی دیگر می فرمایند:

"نفوسی که به این مظلوم منسوبند، باید در مواقع بخشش و عطا ابر بارنده و در اخذ نفس اماره فشعلۀ فروزنده باشند."

امروخلق ج ۳ ص ۱۶۱

"انْفَقُوا مَا رَزَقْتُمْ بِهِ اِنْ كُنْتُمْ فُقَرَاءٌ يُغْنِيكُمْ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ اِنَّهُ كَانَ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيْرًا . فَسَوْفَ يَجْزِي اللّٰهُ الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا ثُمَّ اَنْفَقُوْا اَحْسَنَ الْجَزَاءِ مِنْ عِنْدِهِ فَيَدْخُلُهُمْ فِي رِضْوَانٍ قُدْسٍ قَدِيْمًا"

گلزار تعالیم ص ۹۲

و در کلمات مکنونه می فرمایند:

يا ابن الانسان اَنْفَقْ مَالِي عَلٰى فُقَرَاءٍ لِيَتَنَفَّقَ فِي السَّمَاءِ مِنْ كُنُوْزِعِزِّ لَا تُفْنِيْ وَ خَزَائِنِ مَجْدٍ لَا تُبْلِيْ وَ لَكِنْ وَ عَمْرِيْ اَنْفَاقُ الرُّوْحِ اَجْمَلٌ لَوْ تُشَاهَدَ بَعِيْنِي .

حضرت عبدالبهاء می فرمایند:

"اعانه خیریه را بسیار مهمّ شمرند و بنهایت اهمّیت در این مبرور بکوشند. این اعانه خیریه از لوازم امور است."

ص ۲۴۱ ج ۴ امر و خلق

و در بیانی دیگر می فرمایند:

هر نفس که معاونت بشرکت خیریه نماید، در جمیع مراتب تأیید و توفیق الهی شامل گردد و هر نواقص کامل شود. سبب عزّت ابدیه آن نفوس گردد

مکاتیب ج ۲ ص ۱۱۶

و نیز می فرمایند:

"حیات انسان فی الحقیقه مانند طرفه عین است زیرا جماد و احجار و اشجار حیاتشان بیش از انسان لهذا زندگانی انسانی در این جهان فانی اهمیتی نداشته و نخواهد داشت و لکن توفیقات رحمانیه و تأییدات صمدانیه چون در حقیقت انسانی جلوه نماید، این مدار مباهات است و مورث مسرّات. لهذا باید همواره به مساعی خیریه در ترقی حقایق انسانی و ظهور سُنوحات رحمانیه بکوشید

تاریخ همدان ص ۳۲۰

و در بیانی دیگر می فرمایند:

"این اعانه خیریه از لوازم امور است تا از محتاجان و مضطربان دستگیری شود و از اطفال صغار علی الخصوص ایتم و فقراء که امانت الله اند معاونت گردد و اسباب تربیت فراهم آید. این قضیه تعاون و تعاضد اساس متین در این دور مبین .

قاموس کتاب اقدس ص ۳۱۹

تمدن مورد نظر حضرت بهاءالله تمدنی است شکوفا که در آن منابع وسیع عالم در جهت عزت و احیای نوع بشر و نه برای ذلت و نابودی او صرف خواهد شد. بدین ترتیب، عمل تقدیم تبرعات گویای مفهومی بسیار عمیق می‌باشد: تقدیم تبرعات راهی است عملی و از ضروریات تسریع ظهور آن تمدن ربّانی. چنانچه حضرت بهاءالله می‌فرماید "امورات ارض را حقّ جلّ جلاله به اسباب معلّق فرموده." بهائیان در اجتماعاتی زندگی می‌کنند که امور مادی آن به شدت آشفته و مختل است. فرایند جامعه‌سازی که دوستان در محدوده‌های جغرافیایی خود به پیش می‌برند نگرش و رفتاری را در مورد ثروت و دارایی ترویج می‌کند که با افکار متداول در عالم کاملاً متفاوت است. عادت تقدیم تبرعات مرتّب به صندوق‌های امری که شامل تبرّع غیر نقد، به خصوص در بعضی نقاط جهان می‌باشد ناشی از حسّ توجّه فردی به رفاه جامعه و پیشرفت امر الله است. وظیفه تقدیم تبرعات درست مانند وظیفه تبلیغ امر الهی یکی از جنبه‌های اساسی هویت بهائی و موجب تقویت ایمان است... تبرّع داوطلبانه نهایتاً این آگاهی را به وجود می‌آورد که اداره امور مالی شخصی بر طبق اصول روحانی بعدی است ضروری از یک زندگی منسجم، موضوعی است وجدانی و طریقی است که در آن تعهد نسبت به رفاه عالم در عمل متجلی می‌گردد.

۲۹ دسامبر ۲۰۱۵

الف: تمدن مورد نظر حضرت بهاءالله تمدنی است شکوفا که در آن منابع وسیع عالم در جهت عزت و احیای نوع بشر و نه برای ذلت و نابودی او صرف خواهد شد

حضرت ولی محبوب امرالله در توقیع منبع ظهور مدنیت جهانی در خصوص ویژگیهای جامعه متحد جهانی چنین می‌فرماید: "در چنین جامعه جهانی مآخذ اقتصادی تحت انتظام خاص در خواهد آمد، منابع مواد خام به طور کامل استخراج شده و مورد استفاده قرار خواهد گرفت، بازارها هماهنگ گشته و توسعه خواهند یافت و توزیع محصولات با رعایت انصاف منتظم خواهد گشت. رقابتها، نفرتها و تحریکات ملی متوقف می‌شود و خصومت‌های نژادی و تعصب جای خود را به دوستی بین نژادها، و... خواهد داد. علل نزاعهای دینی برای ابد مرتفع خواهد گشت، موانع و محدودیتهای اقتصادی کاملاً ملغی می‌گردد و اختلاف فاحش میان طبقات از میان می‌رود. تهیدستی از یک سوی و تجمع خارج از اعتدال ثروت نزد نفوس خاص از سوی دیگر ناپدید می‌گردد. انرژی عظیم اقتصادی یا سیاسی که به علت اشتغال به جنگ ناپدید و یا ضایع می‌گردد به تحقق اهدافی اختصاص خواهد یافت که از جمله موجب اتساع دامنه اختراعات و رشد صنعت خواهد گشت، سطح تولید را خواهد افزود بیماریها را ریشه کن خواهد نمود، تحقیقات علمی را گسترش خواهد داد، میزان بهداشت جسمانی را بالا خواهد برد، موجب حدّت و تهذیب ذهن انسانی خواهد گشت، و وسائل استفاده از منابع موجود در کره ارض را که تاکنون مکشوف نگشته

واز آنها بهره برداری نشده میسر خواهد نمود. سبب تطویل عمر انسان خواهد شد و موجب پیشرفت هر عملی خواهد گشت که سبب انگیزش عقلانی، اخلاقی و روحانی کل نوع انسان باشد

قاموس کتاب اقدس ص ۳۲۲

ب: : تقدیم تبرّعات راهی است عملی و از ضروریات تسریع ظهور آن تمدن ربّانی.

حضرت ولی امرالله می فرماید:

" از برای پیشرفت امور روحانیّه و فتوحات امریّه اسباب مادیّه و وسائل مالیّه لازم ، تا این اسباب میسر نگردد پیشرفت کلی ممتنع و محال "

ص ۳۱۳ ج ۱ توقیعات ۲۶-۱۹۲۲

ج: . فرایند جامعه سازی که دوستان در محدوده های جغرافیایی خود به پیش می برند نگرش و رفتاری را در مورد ثروت و دارایی ترویج می کند که با افکار متداول در عالم کاملاً متفاوت است.

جهان بشری در چنگ قوای تخریب کننده و زیان آور گرفتار و مبتلا است. مکتب ماتریالیسم غرب که حال به تمام نقاط گیتی سرایت نموده، توسعه فرهنگ مصرف گرایی را وسیله ای لازم برای استحکام اقتصاد جهان و تأمین رفاه نسل انسان می داند، مصرف در جهت ارضای امیال شخصی و تمتّع از لذائذ نفسانی را با مهارت و زیرکی ترویج می دهد و صرف ثروت در راه مخاصمات اجتماعی و تداوم آن را جایز می شمرد. در سخافت این دیدگاه تفکّر نمایند. فلسفه رو به گسترش بنیادگرایی دینی با فهم بسیار محدود خود از دین و از مبادی روحانی عقاید خشک مذهبی را رواج می دهد، در مواردی رهایی جهان از مشکلات موجود را مشروط به وقوع رویدادهایی خرافی و غیر معقول می داند، از یک طرف تظاهر به تقوی را ترویج می کند و از طرف دیگر در عمل، حرص و آز و اجحاف و ظلم را در جامعه شیوع می دهد. از جمله نتایج و اثرات اسفناک این قوای ویران گر سردرگمی شدید جوانان، نومیدی نیروهای فعال لازم برای پیشرفت جامعه و بروز مشکلات بی شمار کنونی است. کلید نجات از این مصائب اجتماعی در دست نسل جوانی است که به شرافت نوع انسان معتقد بوده اشتیاقی وافر برای درک هدف واقعی عالم هستی داشته باشد، بین تدین حقیقی و خرافات مذهبی فرق قائل شود، علم و دین را دو نظام دانایی مستقلّ اما مکملّ یکدیگر و محرک پیشرفت نوع انسان شمرد، زیبایی و کارآیی وحدت در کثرت را درک کرده آن را با آغوش باز

بپذیرد، سعادت و عزّت خود را در خدمت به هم‌وطنان و دیگر مردم جهان ببند و مقبولیت ثروت را موقوف به کسب عادلانه و مصرف آن در امور خیریه و در راه ترویج معارف و علوم و تأمین منافع عمومی بداند. جوانان عزیز باید آن‌چنان خود را آماده‌ی وظایف خطیر آینده نمایند تا هم از مضرات حرص و طمع رایج در امان مانند و هم با جدّیت و اشتیاق در جهت تحقق اهداف عالی و شکوهمند خود کوشا باشند.

پیام ۱۳ فروردین سال ۸۹

د: عادتِ تقدیمِ تبرّعاتِ مرتّب به صندوق‌های امری که شامل تبرّع غیر نقد، به خصوص در بعضی نقاط جهان می‌باشد ناشی از حسّ توجّه فردی به رفاه جامعه و پیشرفت امر الله است.

شرکت در تقدیم تبرّعات خدمتی است که هر مؤمنی، فقیر یا غنی، می‌تواند به جا آورد زیرا این وظیفه‌ای روحانی است که در آن مقدار تبرّع اهمیتی ندارد، آنچه شایان اهمیت است میزان انفاق و عشقی است که شخص بخشنده به همراه پرداخت خود نثار میکند، همچنین وحدت شرکت احباء در این خدمت است که جاذب تأییدات الهی است...

انوارهدایت ص ۳۱۶ شماره ۸۳۹

ه: . . . وظیفه تقدیم تبرّعات درست مانند وظیفه تبلیغ امر الهی یکی از جنبه‌های اساسی هویت بهائی و موجب تقویت ایمان است

سخاوت آنچنان که در آثار بهایی توصیف شده، با دادن بخش اندکی از ثروت عظیم برای آرام ساختن احساس تأسف برای فقراء نباید اشتباه شود. سخاوتی که احباء به اتصاف به آن دعوت شده اند وجهی اساسی از روابطی است که عائله بشری را اتحاد می‌بخشد، بافت جامعه و نظم اجتماعی را در هم می‌تنند. این سخاوت مانند بخشش آفتاب به زمین، ریزش باران فیض به مزارع و مراتع از خشکی تفتیده است. حضرت عبدالبهاء توضیح می‌فرماید که بخشش از نفس ماهیت حقیقت جداناپذیر است:

"اگر پدیده‌ای که کاشف حقایق است ملاحظه شود مشهود گردد که اعظم روابط عالم ایجاد، سلسله موجودات است و تعاون و تعاضد و تبادل از خواص ملازمه هیئت جامعه عالم وجود است. زیرا جمیع وجود به هم مربوط است. هرشیء از اشیاء متأثر



ومستفید از دیگری اگر رأساً نباشد بالواسطه محقق...نظر به این حکمت است که عندالله امر انفاق محبوب بوده .ملاحظه فرمائید که این امر عظیم چقدر عندالله محبوب بوده که نسبتش فی الحقیقه الی الله گشته..."

...یکی از اولین مظاهر سخاوت که به ذهن خطور میکند تقدیم تبرعات به صندوقهای امری است.طبق بیانات حضرت ولی امرالله ،تقدیم تبرعات به صندوقهای امری عبارت از "طریقی عملی و مؤثر است که هر یک از احباء به وسیله آن می تواند میزان و خصوصیت ایمان خود را امتحان کند وشدت اخلاص وتعلق خود به امر مبارک را به عمل ثابت نماید." تبرعات،که با ایثار واز خودگذشتگی تقدیم شود،حقیقتی بنیادی را که اساس وشالودهٔ صفت سخاوت است ،آشکار می سازد.یعنی اینکه تقدیم کنندهٔ تبرعات برخوردار از فضل و موهبت نیز هست.

خلق تفکر جدید ص ۲۲-۲۳

و: تبرّع داوطلبانه نهایتاً این آگاهی را به وجود می آورد که ادارهٔ امور مالی شخصی بر طبق اصول روحانی بُعدی است ضروری از یک زندگی منسجم، موضوعی است وجدانی و طریقی است که در آن تعهد نسبت به رفاه عالم در عمل متجلی می گردد اعانه در این سبیل از احتیاجات ضروریّه امرالله است و از امور لازمه اساسیه محسوب .بعد از ادای حقوق فی الحقیقه اعظم وظیفه شخص بهائی است زیرا آنچه در این سبیل تقدیم گردد و صرف شود رأساً ترویج امر الهی است و تعزیز و تقویت آئین ربّانی ولی این وظیفه مقدسه ایست و امریست وجدانی و تکلیفی است روحانی احدی مجبور بر آن نه "

ص ۲۱۴منتخبات توقیعات مبارک

ساجد از شهر خود به نقطه دیگری از ایران مهاجرت کرده بود. در این شهر کاسبی وی دچار شکست شد و با اینکه او مرد ثروتمندی بود، اکنون برای تداوم کار خود نیاز مبرم به منابع مالی داشت. لهذا به پایتخت رفت تا از شرکت نونهالان وام بگیرد. وقتی که در طهران بود دریافت که برای تکمیل بنای دارالتشريع، صندوق احتیاج به پول دارد. سخت اندوهگین شد زیرا در آن لحظه بحرانی و خطیر چیزی برای اهدا به صندوق بین المللی نداشت. بعد فکری به نظرش رسید "اگر من بتوانم برای خودم در زمان نیازم استقراض کنم چرا نتوانم برای امرالله در زمان احتیاجش وام بگیرم؟" نیمی از وام دریافتی را به صندوق بین المللی تقدیم نموده با نیمه دیگر به خانه مراجعت کرد. با سپری شدن زمان، تجارت ساجد رونق گرفت و او دیگر بار توانست زندگی راحتی داشته باشد. بعد تزییقات احبا در ایران آغاز شد و تمام مایملک وی مصادره گشت. ساجد خطاب به یکی از یاران که از تبرع فداکارانه وی به دارالتشريع آگاه بود چنین گفت: "چقدر مسرورم که نیمی از وام دریافتی را به صندوق بین المللی تقدیم کردم. نتیجه آن برکت و عنایتی است که احدی نمی تواند آن را از من باز ستاند. در حالی که هر آنچه با نیمه دیگر کسب کردم اکنون ازدست رفته است."